

بازپژوهی دانش واژه عَشَّار در روایات امامیه

محمد حسین رضوی (دانش پژوه مؤسسه عالی فقه امام حسین (ع))

razavi.r@chmail.ir

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۸)

چکیده:

واژه «عَشَّار» به معنای «گمرکچی»، بارها و به گوناگونی در روایات امامیه به کار رفته است. از همین رو، در این مقاله سعی شده در مورد چیستی و ویژگی‌های آن، حکم شرعی این عمل، راه‌های مقابله با عَشَّار و توجیه‌هایی که امروزه برای گرفتن گمرک انجام می‌شود، پاسخ دقیقی داده شود. نتایج به دست آمده در این پژوهش که با روش توصیفی - کتابخانه‌ای انجام شده است این شد که جهنمی بودن، مورد لعن خداوند قرار گرفتن، مستجاب نشدن دعا و شاخص عذاب شدن برای دیگران از ویژگی‌های چنین افرادی بوده و اجرای اوامر دستگاه جور، ظلم به مردم و ایجاد فشار مالی بر مؤمنان از مهم‌ترین عوامل مورد مذمت قرار گرفتن آنها و حرمت عملشان است. از این رو، مؤمنان می‌توانند با ندادن زکات و حتی قسم دروغ، خود را از ظلم آنها رهانیده و از اموال خویش محافظت کنند. بنابراین اگر این گمرک از سوی حکومت اهل بیت (ع) گرفته شود اشکالی بر آن وارد نمی‌باشد.

کلیدواژه‌ها: عَشَّار، عشور، گمرک، مالیات، گمرکچی.

۱- مقدمه

در طول تاریخ همیشه حاکمان و پادشاهانی بر سرزمین و کشورهای گوناگونی حکومت کرده‌اند، و به صورت طبیعی برای این حکومت نیاز به مقدار زیادی سرمایه بود، که حاکمان برای بدست آوردن این مقدار سرمایه، دست به کارهای مختلفی می‌زدند. از مهم‌ترین آنها می‌توان به تجارت، حمله کردن به سایر کشورها و بدست آوردن غنیمت و ... مثال زد. یکی دیگر از این مسیرهایی که حاکمان می‌توانند پول به دست آورند سازو کار مالیات است که خود انواع مختلفی دارد: مالیات مستقیم که خود به دو قسم مالیات بر دارایی و مالیات بر درآمد تقسیم می‌شود، و یک نوع مالیات غیرمستقیم که خود به سه قسم حقوق و عوارض



گمرکی (عَشَّار)، مالیات بر مصرف و مالیات بر ارزش افزوده تقسیم می‌شود. در کتاب‌های احادیث امامیه به مسأله گمرک و عَشَّاری‌گری توجه ویژه‌ای شده است و روایت‌های فراوانی درباره آن وجود دارد. در این مقاله سعی می‌شود با روش تحلیلی-توصیفی و کتابخانه‌ای معنای دقیق عَشَّار و حکم آن بدست آورده شود و نیز معلوم شود علت این همه حدیث در مورد عَشَّاری‌گری چیست. این بحث اگرچه پیشینه عام و خاص ندارد ولی از پیشینه‌های اعم این بحث می‌توان به کتاب‌های صراط النجاة شیخ انصاری و مبانی فقهی حکومت اسلامی اشاره کرد.

۲- معنای لغوی

واژه «عَشَّار» که به معنای دهگان و معدول از عشره به کار می‌رود و گفته می‌شود: «جاء القوم عَشَّار» یعنی آن گروه ده نفر ده نفر آمدند (دهخدا، بی‌تا: ذیل کلمه) و اگر در شکل «عَشَّار» بروزن صیغه مبالغه بیاید به معنای یک دهم خواهد بود (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۲/ ۶۰۱) و آنگاه که عربی یک دهم از اموال قوم را بستاند می‌گوید: «عشرْتُ القوم». حتی بنا بر برخی نقل‌های تاریخی در یکی از جنگ‌ها که بیش از صد هزار لشکری کشته شدند به دلیل آن که صد تن از جنگجویان عرب، هر یک ده تن از دشمن را به قتل رسانده بودند، آن روز را «عَشَّار» نامیدند (اشعری قمی، ۱۴۰۸: ۳۸ و ابن منظور، ۱۴۱۴: ۴/ ۵۶۸).

بنابراین می‌توان گفت که معنای عَشَّار در لغت «یک دهم» است و به کسانی که یک دهم از اموال دیگران را می‌گرفتند «عَشَّار اطلاق می‌شده است (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۱/ ۲۴۵ و وزییدی، ۱۴۱۴: ۷/ ۲۲۳).

۳- معنای اصطلاحی

مأمورانی که در مرزها و بنادر، یک دهم از کالاها را به عنوان گمرک، که گاهی بر آن «مکس» و «جبایه» هم اطلاق می‌شد (کردی، ۱۴۲۰: ۱- ۲/ ۲۲۰)، می‌گرفتند، «عَشَّار» نامیده می‌شدند (طبری، بی‌تا: ۵۷۱/ ۱۱؛ یزدی، ۱۳۸۲: ۳۹۳/ ۵؛ خورموجی، ۱۳۴۴: ۱/ ۲۰۲؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۴/ ۳۸۱ و جمعی از مؤلفان بی‌تا: ۳۸۱/ ۴۵). ولی بعدها مقدار یک دهم، کم و زیاد شد به طوری که دیگر به مطلق کسی که گمرک می‌گرفته است، عَشَّار اطلاق شده

است. بنابراین به طور کلی می‌توان گفت که به مأموری که در مرزها و بنادر مقداری از مال را به عنوان گمرک دریافت می‌کرده است، عَشَّار نامیده شده است (محمدی ملایری، ۱۳۷۹ش: ۵/۳۰) که در فارسی بر آن «گمرکچی» اطلاق می‌شود (دهخدا، بی‌تا: ذیل کلمه).

گرفتن گمرک از کالاهای وارداتی و صادراتی در تاریخ امری رایج بوده است. چنانکه به عنوان نمونه می‌توان به قراردادی اشاره کرد که یکی از امپراتوران روم به نام دیوکلسیانوس با نرسی، پادشاه ساسانی، بسته بود و قرار شد تا کاروان‌های ابریشم که از راه ایران به روم می‌رفتند، فقط از راهی معین عبور کنند و از کالاهای آنها در همانجا گمرک گرفته شود و همچنین در قرارداد دیگری که پس از این تاریخ میان امپراتوری روم شرقی و دولت ایران در سال ۴۰۸ م بسته شد، دو مسیر برای عبور کاروان‌ها و پرداخت گمرک کالاهایشان به ایران تعیین شد که یکی شهر رَقَه بر ساحل فرات و دیگری شهر ارتاکسا بر ساحل رود ارس بود.

همچنین در منابع تاریخی نام دو نفر از سران عرب پیش از اسلام یعنی قیس بن مسعود شیبانی^۱ و سنان پدر صهیب از مسلمانان نخستین (محمدی ملایری، ۱۳۷۹ش: ۵/۱۳۱) را می‌یابیم که در حاشیه صحرا در غرب فرات و غرب بندر اُبَلَه از طرف دولت ایران مأمور حفظ امنیت در آن منطقه و جلوگیری از دستبرد بادیه‌نشینان بوده‌اند و حقوق خود را از گمرکی آنجا دریافت می‌داشته‌اند. البته این بدان معنا نیست که گرفتن گمرک در تمام ممالک کهن رواج داشته است. به عنوان مثال در کشور ختای^۲ عَشَّاری رسم نبوده ولی به جای آن هر آنچه معدنی بوده همچون: نمک، شوره، قیر، کبریت، جواهر و فلزات، همگی برای سلطان و محصولات

۱. طبری، محمد بن جریر (بی‌تا). تاریخ الأمم و الملوک؛ و یاقوت حموی، یاقوت بن عبد الله. معجم البلدان: قیس بن مسعود از بزرگان قبیله بنی شیبان بوده است. این قبیله در غرب رود فرات و حاشیه صحرا در همان حدود ذی‌قار سکونت داشته است. ذی‌قار به سبب نزاعی که در آنجا بین فرستادگان خسرو پرویز، پادشاه ایران، و هانی بن مسعود، از سران قبیله، روی داد شهرت یافت. قیس از سوی دولت ایران مسئول حفظ امنیت طَفَّ (حاشیه صحرا تا جنوب صحرای محاذی بندر اُبَلَه) بود و در شش میلی غرب آنجا پادگانی هم داشت که به نام منجشانیّه خوانده می‌شد و زیر نظر مرزبان ایرانی اُبَلَه بود. مخارج نگهداری این پادگان و افراد آن از عایدات اُبَلَه پرداخت می‌شد

۲. اقبال آشتیانی، عباس. تاریخ مغول. ص ۲۰: مردم خیتان، ختای یا خطای یا ختن یا خیتان، ولایتی تاریخی از بخش‌های شمالی و شمال‌غربی چین بوده است. این نام، گاهی مترادف با مملکت چین آمده و گاهی هم بر چین شمالی اطلاق شده است.

کشاورزی برای مردم بوده است (زین العابدین بن اسکندر، بی تا: ۲۳۰ و ۲۳۱).

عرب‌های شبه جزیره به خصوص تاجران آنها که به تجارت با روم و ایران مشغول بودند با رسم عَشّاری آشنا بودند اما آنگاه که حضرت رسول اکرم ﷺ حکومت را برپا ساخت، این رسم را برانداخت و در زمان ایشان انواع مالیات‌ها از جمله عَشّار، ابطال گشت و به جای آن از مردم زکات گرفته می‌شد (رفعت پاشا، ۱۳۷۷ ش: ۱/ ۶۹). نویسنده کتاب بستان السّیاحه وقتی تفکرات مذهبی خود را بیان می‌کند می‌گوید: هرچه بعد از پیامبر ﷺ به وجود بیاید که در آن زمان نبوده، بدعت است و بدعت گمراهی است، از جمله این بدعت‌ها عَشّاری است (زین العابدین بن اسکندر، بی تا: ۵۷۳). زیرا در زمان آن حضرت، عَشّاری وجود نداشت و اولین کسی که عَشّاری را احیاء کرد، عمر بن خطاب بود (مرجانی، ۲۰۰۲ م: ۱۳۳/۱) و این اتفاق زمانی رخ داد که مسلمانان به بندر اُبَلّه در جنوب عراق و ساحل خلیج فارس دست یافتند - و از آن جایی که به این بندر کشتی‌هایی از هند و چین می‌آمدند به دروازه هند معروف شد - از کشتی‌هایی که به این بندر می‌آمدند، عَشّار می‌گرفتند (محمّدی ملایری، ۱۳۷۹ ش: ۵/ ۱۳۰). بعد از این، منصب عَشّاری رواج یافت و خلیفه دوم، مقررات گمرکی را در تمام ممالک مفتوحه برقرار ساخت و فرمان داد که از یهود و نصاری از هر بیست درهم، یک درهم گرفته شود و از بقیه از هر ده درهم، یک درهم دریافت گردد (ابن بابویه، ۱۴۱۳ ق: ۱۲/ ۴۹).

احیای دوباره عَشّاری بدان دلیل بود که از این طریق ثروت بسیاری جمع می‌گشت و چشم پوشی از آن برای دولت‌ها سخت به نظر می‌رسید و طبیعی بود که این عمل مطرود از سوی پیامبر اکرم ﷺ به دلیل باز تولیدش از سوی خلافت، مورد مخالفت اهل بیت ﷺ قرار گیرد. این مخالفت در روایات نقل شده از سوی ایشان ظهور و نمود جدّی داشته است و در این مقاله سعی می‌شود این نمود، بازکاوی و تبیین گردد و در نهایت، علّت این همه لعن و نفرین این گروه مشخص شود.

۴- ویژگی‌ها و حکم عَشّار در روایات امامیه

بررسی روایات موجود در تراث روایی امامیه نشان از توصیف عَشّار به چندین ویژگی دارد

که مهم‌ترین آنها به شرح زیر است:

۴-۱- جهنمی بودن

اولین ویژگی که می‌توان برای این گروه شمرد نرفتن به بهشت و به تبع، جهنمی شدن است. در حدیثی آمده است:

پیامبر خدا ﷺ فرمودند: «چون خداوند بهشت را آفرید، آن را از دو خشت آفرید: خشتی از طلا و خشتی از نقره و دیوارهای آن را از یاقوت و سقف آن را از زبرجد و سنگریزه‌های آن را از لؤلؤ و خاک آن را از زعفران و مشک خوشبو قرار داد، پس به آن فرمود: «سخن بگو». پس او گفت: معبودی جز تو که زنده پایدار هستی وجود ندارد، هر کسی وارد من شود خوشبخت می‌شود، پس خداوند فرمود: سوگند به عزّت و جلالم، کسی که مداومت در شرباخراری داشته باشد در آن وارد نخواهد شد و نه متکبر و نه سخن‌چین و نه دیوث که همان «قلطبان» است و نه مأمور شرطه و نه خنثی و نه کفن دزد و نه عشار و نه قاطع رحم و نه قدری (کسی که به قضا و قدر ایمان ندارد) (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق: ۴/۳۵۲).

در روایت به وضوح دیده می‌شود که گمرکچی‌هایی که مأمور دستگاه جور بودند چه جایگاه پستی دارند که هم‌رتبه شارب خمر، دیوث و ... قرار می‌گیرد و علاوه بر آنها در بیان کسانی که به جهنم می‌روند عشارها از قاطع رحم و قدری که این همه در مذمت آنها حدیث آمده است، جلوتر آورده شده، گویا که گناه و آثار منفی عشاری بیشتر از این دو گناه است بنابراین از این حدیث می‌توان استفاده کرد که گرفتن گمرک توسط عشار حرام می‌باشد.

۴-۲- مورد لعن خداوند بودن

با این که همه اعمال قبیح، منفور خداوند هستند اما تنها مرتکبان برخی از آنها به صورت خاص از سوی خداوند لعن شده‌اند. چنانکه پیامبر اکرم ﷺ می‌فرمایند:

«هر کس حاجتمندی را ردّ کند و با وجود تمکّن، حاجت او را برنیاورد، پس بر او گناهی مانند گناه عشار (گمرکچی) باشد، عوف بن مالک پیا خاست و گفت: یا رسول الله گناه عشار تا کجاست و چقدر است، حضرت فرمود: بر عشار در هر شبانه روز لعنت خدا و فرشتگان و همه مردم باشد (یعنی جملگی او را لعنت کنند) و هر کس را خداوند لعنت کرد یاوری برای او نخواهی یافت.» (ابن بابویه، ۱۴۰۶ق: ۶۷۲).



در این روایت، عَشَّار مورد لعن خداوند قرار گرفته است بنابراین می‌توان گفت عمل عَشَّار، حرام و از گناهان کبیره می‌باشد.

۴-۳- شاخص عذاب شدن برای دیگران

در روایات این نکته مهم نهفته شده که عَشَّار علاوه بر عذاب شدن، معیار و شاخصی برای عذاب شدن دیگران نیز هست. چنانکه در روایت مذکور از رسول خدا ﷺ فرمودند:

هر کس در ادای حق صاحب حقی در حالی که توانایی اداء دارد، ممانعت و امروز و فردا کند، و اداء حق را به عقب اندازد، پس بر او در هر روز، گناه گمرکچی و باج‌گیر خواهد بود (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق: ۴/ ۱۷-۱۸).

گاهی انسان که می‌خواهد وضعیتی و تکلیف چیزی را که مجمل و مجهول است برای مخاطب روشن کند آن را با چیزی که وضعیتی برای مخاطب مسلم و مبرهن است، می‌سنجد تا وضعیتی آن چیز مجمل و مجهول هم مشخص شود. در این روایت هم گناه کسی که حق مردم را امروز و فردا می‌کند با گناه عَشَّار که نزد مخاطب واضح و مبرهن است سنجیده شده، پس می‌توان با استفاده از این روایت گفت که فعل عَشَّار به صورت قطعی حرام بوده است.

۴-۴- لعن شدن از سوی حیوانات

در روایتی آمده است که روزی احبار یهود از خلیفه دوم چندین سؤال پرسیدند، خلیفه دوم برای پاسخ، دست به دامان امیرالمؤمنین ﷺ شد تا آن حضرت پاسخ‌ها را بدهند. یکی از سؤال‌ها این بود: به ما خبر بده حیوانات وقتی به صدا در می‌آیند چه چیزی را می‌گویند؟ حضرت فرمودند:

«مرغ دراج می‌گوید: خدا بر عرش مستولی است، خروس می‌گوید: ای غافلین، خدا را به یاد آورید. اسب می‌گوید: خدا با بندگان مؤمن را بر کافرین یاری فرما، الاغ می‌گوید: خدا لعنت کند عَشَّار را و در صورت شیاطین صیحه می‌زند و ...» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۱۴/ ۴۱۲).

۴-۵- عدم استجاب دعا

عقاب دیگری که در روایت برای شخص عَشَّار ذکر شده، عدم استجاب دعاست مانند روایتی که نوف نقل می‌کند:

«نوف گوید: یک شب نزد امیرالمؤمنین بسر کردم. آن حضرت همه شب را نماز می‌خواند و

ساعت به ساعت بیرون می‌آمد و آسمان نگاه می‌کرد و قرآن می‌خواند. چون پاسی از شب گذشت به من برخورد و فرمود: ای نوف! خوابی یا بیدار؟ عرض کردم بیدارم و شما را می‌نگرم یا امیرالمؤمنین، فرمود: ای نوف! خوشا به حال کسانی که از دنیا چشم پوشیدند و به آخرت دل بستند. آنان زمین را زیر انداز خود کرده‌اند و خاکش را رختخواب خود گسترده‌اند و آتش را به جای عطر بکار می‌برند. قرآن ورد آنهاست و دعا شیوه آنها، به روش عیسی بن مریم دنیا را از خود بریده‌اند، خداوند به عیسی بن مریم وحی فرستاد به بزرگان بنی اسرائیل بگو در هیچ کدام از خانه‌های من وارد نشوید مگر با دلی پاک و دیدگانی ترسناک و دست‌هایی تابناک به آنها بگو بدانید که من دعای شما را مستجاب نکنم و نه دعای کسی که از مخلوقات من مشمول الذمه باشد، ای نوف! مبدا گمرکچی یا عضو شهربانی یا کدخدا یا طنبورزن یا طبل‌زن باشی، زیرا پیغمبر خدا شبی بیرون آمد و به آسمان نگریست و فرمود اکنون ساعتی است که دعای هیچ کس رد نشود مگر دعای کدخدا یا دعای شاعر یا دعای گمرکچی یا آژان یا طنبورزن یا طبل‌زن...» (ابن بابویه، بی‌تا: ۳۳۷/۱ و شریف الرضی، ۱۴۱۴ق: ۱/۴۸۶).

همان طور که از روایت معلوم است قبول نشدن دعای عَشَّار نشان می‌دهد که این فعل مورد خشم خداوند است و فعل عَشَّاری حرام است.

۵- چرایی مذمت عَشَّار

سؤالی که به ذهن می‌رسد این است که چرا مأموران گمرک، مورد شماتت قرار گرفته‌اند در حالی که در حکومت‌های شیعی کنونی هم گمرک گرفته می‌شود، بنابراین ضروری است که با بررسی روایات مشخص شود که وجه نفرین مأموران گمرک چه بوده است؟

۵-۱- اجرای اوامر دستگاه جور

اولین جهت این است که چون حکومت اسلامی حق امامان معصوم علیهم‌السلام بوده و از سوی خلفا غصب شده است هر مأموری که از سوی حکومت جور به کاری مشغول گردد، یاور ظالم و کمک‌کننده به غصب حکومت به شمار می‌آید و در گناه دیگر غاصبان شریک است و جدی‌ترین یاوران حکومت ظلم هم، مأمورانی هستند که عَشَّاری‌گری می‌کنند. همان طور که در حدیث عدم استجاب دعا دیدیم که چند گروه که دعایشان مستجاب نمی‌شد کسانی بودند که به حاکمان غاصب کمک کنند مانند: عریف، شُرطی، عَشَّار و

و به خاطر همین مطلب مرحوم علامه مجلسی رحمه الله در ذیل روایت‌های عَشَّار می‌فرماید: این احادیث که در لعن عَشَّارها آمده مختص به مأموران حکومت جور می‌باشد و بنابراین مأمورانی را که از طرف امامان تعیین می‌شدند جزء این لعن‌شدگان نیستند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰/۵).

۵-۲- ایجاد فشار مالی بر مؤمنان

دومین دلیل را هم می‌توان اینگونه گفت که گرفتن این پول از مؤمنین موجب می‌شده آنها را در فشار مالی قرار داده و آنها را از تجارت و سودهایی حاصل از داد و ستد محروم سازند به خصوص که مؤمنان از درآمدهای دولتی محروم بودند و با از دست دادن سودهای تجاری به شدت دچار فقر می‌شدند.

۵-۳- ظلم به مردم

احتمال دارد دیگر دلیل مغضوب بودن عَشَّار از سوی اهل بیت علیهم‌السلام آن باشد که این افراد علاوه بر اخذ مالیات در گذرگاه‌ها، ظلم‌های دیگری را نیز مرتکب می‌شدند. مثلاً هنگامی که حضرت ابراهیم علیه‌السلام از ظلم نمرود به سوی بیت المقدس راهی بود، همسرش ساره را برای آن که از دست مأموران حکومت قبط در امان باشد در صندوقی قرار داد، وقتی به مرز رسید یکی از عَشَّارها جلوی او را گرفت و گفت: نمی‌گذارم از اینجا بگذری مگر اینکه صندوق را باز کنی. حضرت اجباراً در آن را باز کرد، در این هنگام، ساره همسر آن حضرت را دید، و چون او را زیبا یافت، هر دو را نزد پادشاه برد. پادشاه هم وقتی ساره را دید خواست به او دست بزند که با نفرین حضرت ابراهیم علیه‌السلام دستش خشک شد (راوندی، ۱۴۰۹: ۲/۹۲۹). در این داستان هم می‌بینیم نه تنها اموال مردم را به زور می‌گرفتند بلکه به نوامیس مردم هم دست‌درازی شده است.

۶- راه کارهای مقابله با زیاده‌خواهی‌های عَشَّار

اهل بیت علیهم‌السلام برای آنکه مؤمنین در تنگنا قرار نگیرند انجام دو فعل که در حالت عادی حرام است را اجازه داده‌اند:

۶-۱- ندادن زکات

به مؤمنین اجازه داده شده در صورتی که از آنها گمرک گرفته شده باشد از دادن زکات معاف باشند، همان طور که در روایتی موثق از سگونی منقول است:

حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه فرمودند: «هر چه را عَشَّار از تو می‌گیرد از جهت زکات تجارت یا از قیمت اجناس اربعه و در کوزه‌اش اندازد آن از زکات تو محسوب است و هر چه را در کوزه نیندازد آن را از زکات خود حساب مکن.»

در این روایت هم امام علیه السلام برای آن که مؤمنین در تنگنا قرار نگیرند فرموده‌اند اگر در کوزه انداخت دیگر لازم نیست جداگانه به ما زکات بدهی. شاید دلیل آن هم که بین پول‌های داخل کوزه و بین پول‌های خارج از کوزه فرق می‌گذارند این باشد که بالاخره پول‌های داخل کوزه اگرچه به ناحق ولی به هر حال در امور که باید زکات خرج شود خرج می‌شود. یا در روایت یعقوب بن شعیب اینگونه آمده است:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْعُشُورِ الَّتِي تُؤْخَذُ مِنَ الرَّجُلِ أَيْحْتَسِبُ بِهَا مِنْ زَكَاتِهِ قَالَ نَعَمْ إِنْ شَاءَ (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۵۴۳/۳): از امام صادق پرسیدم مالیاتی که عَشَّار از مردم می‌گیرد آیا از زکات آنها حساب می‌شود؟ امام فرمودند: بله. اگر آن شخص خواست می‌تواند ندهد.

از این حدیث معلوم است علاوه بر پولی که به گمرک می‌دهند لازم نیست پولی را بار دیگر به عنوان زکات پرداخت کنند. البته در این باب دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. عده‌ای می‌گویند: وقتی از شخص مؤمن گمرک را می‌گیرند لازم نیست زکات بدهد چون اموالی که از او گرفته شده حکمش مثل اموالی می‌شود که به سرقت رفته و چون اصل مال نیست طبیعتاً چیزی هم واجب نیست (مجلسی، ۱۴۱۴ق: ۵/۵۰۶). عده‌ای هم گفته‌اند: اگر به زور گرفتند، آن وقت لازم نیست که چیزی زکات بدهد و عده‌ای هم گفته‌اند که این حکم برای زمان امام معصوم است. در هر صورت، همه حکم واجب نبودن پرداخت زکات را فی الجمله قبول کرده‌اند (همان).

۶-۲- جواز دروغ

یکی از مواردی که اهل بیت علیهم السلام اجازه داده‌اند که انسان دروغ بگوید در بحث گمرک است. به این صورت که مقدار اموالش را به دروغ بیان کند تا مقدار کمتری گمرک بدهد. در حدیثی از زرارہ منقول است:

زُرَّارَةُ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام نَمُرُّ بِالْمَالِ عَلَى الْعَشَّارِ فَيَطْلُبُونَنَا أَنْ نَحْلِفَ لَهُمْ وَ يُحْلُونَنَا سَبِيلَنَا وَلَا يَرْضَوْنَ مِنَّا إِلَّا بِذَلِكَ قَالَ فَاحْلِفْ لَهُمْ فَهُوَ أَحَلُّ مِنَ التَّمْرِ وَالزُّبْدِ، (ابن

بابویه، ۱۴۱۳ق: ۳ / ۳۶۳ و همو، بی تا: ۱۳۷) زرارہ گوید: بہ امام باقر علیہ السلام عرض کردم: مال التجاره ام بہ گمرک می رسد و گمرکچیان از من می خواهند سوگند یاد کنم بہ آنچه اظهار می دارم از مقدار جنس و قیمت خرید آن و آنچه کہ مربوط بہ آنهاست و بدون سوگند رضایت بہ خروج از گمرک نمی دهند چہ کنم؟ حضرت فرمودند: سوگند یاد کنید کہ آن از خرما و کرہ شیرین تر است.

در این روایت مشخص است، برای آنکہ از مؤمنین عَشَّار گرفته نشود و در تنگنا و سختی قرار نگیرند امام علیہ السلام اجازه می دهد کہ مؤمن قسم دروغ بخورد و مرحوم شیخ کلینی رحمہ اللہ ہم همین قسم دروغ را برداشت کردہ کہ این روایت را بین احادیث کفارات شکستن قسم آورده است و بعد از این حدیث، روایت قسم تقیہ ای را آورده است. همچنین در روایت آمده است:

الولید بن هشام المرادی قال قدمت من مصر و معی رقیق لی فمررت بالعاشر فسألنی فقلت ہم أحرار کلهم فقدمت المدینة فدخلت علی أبی الحسن "ع" فأخبرته بقولی للعاشر فقال: لیس علیک شیء (مجلسی، ۱۴۰۶ق: ۸ / ۲۴) ولید بن هشام می گوید: من از مصر با چند برده، عازم مدینہ بودم. مأمور گمرک پرسید: اینان کیانند؟ گفتم: اینان حُر و آزادند. در مدینہ خدمت ابوالحسن امام کاظم علیہ السلام رسیدم و ماجرای خود را با مأمور گمرک گزارش کردم. حضرت فرمودند: گناهی بر تو نیست.

در این روایت اگر هشام می گفت کہ اینان غلام هستند چون غلام، مال حساب می شود، گمرکچی ها، عَشَّار را از او می گرفتند. بنابراین هشام بن حکم بہ مأمورها دروغ گفته است تا از او چیزی نگیرند و در ادامه حدیث ہم کہ امام تصریح می کنند: گناهی بر تو نیست. و در حدیثی زیاتر این چنین آمده است:

زرارہ گوید: از امام باقر علیہ السلام درباره طلاق دادن و برده آزاد کردن مردی کہ بر این کار مجبور شدہ است پرسیدم، فرمودند: طلاقش رسمیت ندارد و برده آزاد کردنش نیز شرعی نیست. عرض کردم: من تاجری هستم کہ با همه داراییم از گمرک و گمرکچی عبور می کنم. فرمودند: تا جایی کہ می توانی آن را مخفی کن و در جای خود قرارش ده. عرض کردم: اگر برای یافتن اموالم، مرا بہ طلاق دادن و برده آزاد کردن سوگند دهد؟ فرمودند: برایش سوگند یاد کن. سپس امام علیہ السلام خرمایی برداشتند و آن را در کرہ ای کہ مقابل ایشان بود فرو برده و فرمودند:

برای من مهم نیست که برای آنان به طلاق و برده آزاد کردن سوگند یاد کنم یا این خرما را میل کنم (رحیمان، ۱۳۹۰ ش: ۳۳۱/۷).

در این حدیث هم حلال بودن قسم خوردن دروغ در نزد عَشَّارها به حلال‌ترین و پاک‌ترین میوه یعنی خرما تشبیه شده که این نوع تشبیه معنای حلیّت را به زیبایی می‌رساند. برخی از فقها در کتاب جامع المسائل خود علاوه بر این که اجازه داداند که قسم دروغ خورده شود بلکه فرمودند: این کار واجب است (فومنی، ۱۴۲۶ ق: ۴/ ۴۵۸).

جمع‌بندی

همان‌طور که بیان شد همواره یکی از درآمدهایی که حکومت‌ها داشتند بحث گمرک بوده است که عَشَّارها وظیفه دریافت آن را بر عهده داشته‌اند. جهنمی بودن، مورد لعن خداوند قرار گرفتن، مستجاب نشدن دعا و شاخص عذاب شدن برای دیگران از ویژگی‌های چنین افرادی بوده و از مهم‌ترین عوامل مورد مذمت قرار گرفتن آنها و حرمت عملشان، اجرای اوامر دستگاه جور، ظلم به مردم و ایجاد فشار مالی بر مؤمنان بوده است. از این رو، مؤمنان می‌توانند با ندادن زکات و حتی قسم دروغ خود را از ظلم آنها رهانیده و از اموال خود محافظت کنند. بنابراین اگر این گمرک از سوی حکومت اهل بیت علیهم‌السلام و نایبان عام آن حضرات گرفته شود اشکالی بر آن وارد نمی‌باشد.

منابع

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۶ ق). ثواب الأعمال و عقاب الأعمال. قم: دارالشریف الرضی للنشر، چاپ دوم.
۲. _____ (بی‌تا). الخصال. مترجم: جعفری، قم: نسیم کوثر.
۳. _____ (۱۴۱۳ ق). من لا یحضره الفقیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۴. ابن عساکر، علی بن حسن (۱۴۱۵ ق). تاریخ مدینة دمشق. مترجم: علی شیری، بیروت: دار الفکر.



۵. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب. بیروت: دار صادر، چاپ سوم.
۶. اشعری قمی، احمد بن محمد بن عیسی (۱۴۰۸ق). النوادر. قم: مدرسه الإمام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.
۷. اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۸۹ش). تاریخ مغول. تهران: مؤسسه انتشارات نگاه.
۸. جمعی از مؤلفان (بی تا). مجله فقه اهل بیت (ع). قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع)، چاپ اول.
۹. خورموجی، محمدجعفر بن محمدعلی (۱۳۴۴ش). تاریخ قاجار (حقایق الأخبار ناصری). حسین خدیو جم، تهران: زوار.
۱۰. خورموجی، محمدجعفر بن محمدعلی (۱۲۸۴ق). حقایق الأخبار ناصری. دهخدا، علی اکبر. لغت نامه.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۴ش). ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن. تهران: مرتضوی، چاپ دوم.
۱۳. _____ (۱۴۱۲ق). مفردات الفاظ القرآن. بیروت: دار القلم.
۱۴. راوندی، قطب الدین سعید بن هبة الله (۱۴۰۹ق). الخرائج و الجرائح. قم: مؤسسه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.
۱۵. رحیمیان، محمدحسین (۱۳۹۰ش). ترجمه فروع کافی. انتشارات قدس.
۱۶. رفعت پاشا ابراهیم (۱۳۷۷ش). مرآة الحرمين. مترجم: انصاری، تهران: نشر مشعر.
۱۷. زبیدی، محمد بن محمد مرتضی (۱۴۱۴ق). تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت: دارالفکر.
۱۸. شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق). نهج البلاغة. تصحیح: صبحی صالح، قم: هجرت.
۱۹. شیروانی، زین العابدین بن اسکندر (بی تا). بستان السیاحة. تهران: سنایی.
۲۰. طبری، محمد بن جریر (بی تا). تاریخ الأمم و الملوك. محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: بی نا.

۲۱. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق). کتاب العین. قم: نشر هجرت، چاپ دوم.
۲۲. فومنی، محمدتقی بهجت (۱۴۲۶ق). جامع المسائل. قم: مجله فقه اهل بیت (ع)، چاپ دوم.
۲۳. کردی، محمد طاهر (۱۴۲۰ق). التاريخ القويم لمكة و بيت الله الكريم. بيروت: دار خضر.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافي (ط- الإسلامية). تهران: دارالکتب الإسلامية، چاپ چهارم.
۲۵. محمدی ملایری، محمد (۱۳۷۹ش). تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی. تهران: توس.
۲۶. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار. بيروت: دار إحياء التراث العربي.
۲۷. _____ (۱۴۰۶ق). روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه. قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور، چاپ دوم.
۲۸. _____ (۱۴۱۴ق). لوامع صاحبقرانی مشهور به شرح فقيه اصفهانی. قم: مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم.
۲۹. مرجانی، عبدالله بن عبدالملک (۲۰۰۲م)، بهجة النفوس و الأسرار في تاريخ دار هجرة النبي المختار. فضل محمد عبد الوهاب، بيروت: دار الغرب الاسلامي.
۳۰. یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله (۱۹۹۵م). معجم البلدان. بيروت: دار صادر، چاپ دوم.
۳۱. یزدی، محمدکاظم بن عبدالعظیم (۱۳۸۲ش). القواعد الأصولية و الفقهية. محمد آصف محسنی، قم: پیام مهر.

